

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله نشست های علمی  
پژوهشگاه علوم و معارف  
اسلامی خاتم النبیین ﷺ

گروه علمی معارف اهل بیت علیهم السلام

موضوع نشست:

تحول کلامی عصر امام صادق علیه السلام

سال ۱۴۰۱  
قم



بسم الله الرحمن الرحيم

## پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطيبين  
الطاهرين

طرح آراء و انظار اندیشوران عرصه دین در جمع صاحب نظران، همواره مورد توجه و اهتمام متفکران دینی بوده است. چرا که از این رهگذر، دانش‌های وحیانی مسیر بالندگی، کمال و توسعه خود را می‌پیمایند. بی‌تردید نشست‌های علمی که امروز با حضور دانشوران متمحّض در یک رشته دانش برگزار می‌شود، چنانچه با متدهای علمی و رعایت لوازم گفت‌وگو و تبادل اندیشه برگزار و مدیریت شود، می‌تواند بستر مناسبی برای تداوم این جریان مبارک رشد علم باشد.

گروه معارف اهل بیت علیهم‌السلام در پژوهشگاه خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تبیین معارف اهل بیت علیهم‌السلام از اهداف اصلی آن است، در سال جاری، برگزاری نشست‌های علمی با حضور صاحب نظران و اندیشمندان عرصه‌ی معارف را در دستور کار خود قرار داده و تاکنون موفق به برپایی نشست‌های علمی شده است. نخستین نشست این گروه به باز اندیشی و تحلیل علمی نقش و جایگاه امام جعفر صادق علیه‌السلام در تبیین، تحکیم و توسعه مبانی و اندیشه‌ی شیعه‌ی امامیه و در پی آن ایجاد تحول کلامی در عصر آن حضرت، اختصاص دارد که توسط اندیشمند فرزانه جناب دکتر حجة الاسلام و المسلمین محمد تقی سبحانی ارائه شد.

یادآور می‌شود که همراه با نشست اول، مجموعه‌ی نفیسی از اسناد مرتبط با نگاره‌ها و وسکه‌های ضرب شده به نام مبارک امام صادق علیه السلام و سایر امامان بزرگوار که به کوشش جناب آقای دکتر حسین افراخته آماده شده بود به حاضران در نشست ارائه شد.

اثر حاضر، گزارش مکتوب این نشست و رخدادهای جانبی آن است که امید است مورد بهره‌برداری دانش پژوهان عرصه معارف اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد.

پژوهشگاه خاتم النبیین علیهم السلام امیدوار است تا در سایه‌ی الطاف حضرت متعال و عنایات کریمانه اهل بیت علیهم السلام بتواند خدمات مؤثری در تبیین، معرفی و نشر معارف والای اهل بیت علیهم السلام به محضر دانشوران و دانش پژوهان این عرصه ارائه نماید.

در اینجا لازم است از تلاش همه عزیزانی که در برگزاری و انتشار نتایج این نشست‌ها صمیمانه همکاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم. تلاش‌های مدیر محترم گروه معارف اهل بیت علیهم السلام حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید حسن سبزواری و اعضای گروه علمی معارف شایسته‌ی تقدیر مضاعف است.

پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی خاتم النبیین علیهم السلام



## متن سخنرانی دبیر نشست علمی

■ سید حسن سبزواری<sup>۱</sup>

### اتفاقات مهم عصر امام صادق علیه السلام

عصر امام صادق علیه السلام یکی از حساس‌ترین و شکوفاترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سو قیام‌های پیاپی گروه‌های مختلف در کوفه، خراسان و بلاد دیگر جلوه‌گری می‌کند. سرانجام این انقلاب‌ها حکومت شوم بنی‌امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت. اینجاست که بنی‌عباس با تردستی و توطئه، در زیر نقاب دلسوزانه‌ای، با شعارهایی مانند «الرضامن آل محمد»<sup>۲</sup>

۱. مدیر گروه علمی معارف اهل بیت علیهم السلام از پژوهشگاه خاتم النبیین علیهم السلام.

۲. این عبارت به معنای «منتخب و فرد پسندیده شده از آل محمد علیهم السلام» است. عباسیان با این شعار از دعوت مستقیم مردم به خود دست کشیده و با طرح این شعار، افزون بر پنهان

و «یا لثارات الحسین» از این فضای غبار آلود قیام‌ها، بهره‌گرفته و حکومت را تصاحب کردند.

دوره انتقال حکومت هزارماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی‌ترین و پرهرج و مرج‌ترین دورانی بود که زندگی امام صادق علیه السلام را فراگرفته بود. از سوی دیگر، عصر آن حضرت با توجه به حضور افکار مختلف، عصر برخورد مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها و عصر تضاد افکار مختلف بود، از این رو کم‌کم در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود. عصری که کوچکترین کم‌کاری یا عدم بیداری و تحریک فرهنگی عقیدتی امام علیه السلام به عنوان پاسدار راستین اسلام، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات‌بخش اسلام، هم از درون و هم از بیرون می‌شد.

→ داشتن چهره حقیقی خود از عموم مردم و حکومت وقت، خود را در زمره آل پیامبر علیهم السلام قلمداد نمودند و از این سو با پیوند با علویان، از موقعیت ویژه آنان استفاده نمودند؛ به گونه‌ای که عده‌ی زیادی از شیعیان علوی، به جهت عدم شناخت عباسیان، به آنان پیوستند. لازم به ذکر است که قبل از عباسیان، بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، جناب زید بن علی علیه السلام با این شعار به حقیقت، مردم را دعوت می‌نمود. (صدوق، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۱)

۱. این جمله به معنای «ای خون‌خواهان حسین» است که منادا در این تعبیر قاتلان امام حسین علیه السلام هستند که به منظور ایجاد وحشت در دل آنها، مورد خطاب قرار می‌گیرند. (ابن اثیر، النهایة، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵) که در مقابل پیروان بنی امیه معمولاً شعار «یا لثارات العثمان» سرمی‌داده‌اند. (طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۵۰). این عبارت، شعار قیام‌هایی بود که پس از واقعه کربلا به منظور خونخواهی شکل گرفتند. این شعار، ابتدا در قیام توابعین به رهبری سلیمان بن صدخزاعی و سپس در قیام مختار به کار رفت و پس از ایشان عباسیان با وجود علم به حقانیت اهل بیت علیهم السلام در صدد کسب قدرت برای خود با تحریک احساسات مردم، این شعار را سرمی‌دادند. (ر.ک: کتاب واقعه کربلا، علی نظری منفرد) البته امام رضا علیه السلام در ضمن گفتاری به ربیان بن شیبیب، شعار اصحاب حضرت مهدی عجل الله فرجه را «یا لثارات الحسین» عنوان می‌نماید. (صدوق، امالی، ص ۱۲۹، ح ۵)

## وظائف امام صادق علیه السلام برای حفظ اساس اسلام

در این فضا است که سختی‌های فراوانی در پیش روی امام علیه السلام و مسؤولیت عظیمی بر دوش حضرت نهاده می‌شود. پیشوای ششمین، درگیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از یک سو در ساحت بیرونی به فکر نجات افکار توده مسلمانان از الحاد و بی‌دینی و کفر باشد و از سوی دیگر در بُعد داخلی، مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد؛ چراکه بیش از یک قرن و نیم توجیهات غلط و وارونه‌ای بر افکار و ذهن مسلمانان، توسط بدعت‌گزاران ریشه‌دوانیده شده بود و به دستور حاکمان غاصب و مدعیان خلفای بر عرصه جامعه اسلام رشد و نمو کرده بود.

نقش هدایتگری امام علیه السلام ایجاب می‌کند که با نقشه‌ای دقیق و ماهرانه، اسلام راستین و اندیشه شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند. شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه‌ی حکومت‌های پیشین، به حقیقت آخرین رمق‌ها را می‌گذرانند و چه افرادی را در گذشته‌ی خود به خاک و خون غلیطه دیده بود و نام‌آوران و بزرگان با ارزش شیعه یا مخفی بودند و یاد کرده و فرورزق و برق حکومت‌های غاصب، جرأت سخن راندن و ابراز شخصیت نداشتند.

## ویژگی‌های حکومت عباسیان

اگرچه حکومت جدید نیز در کشتار و بی‌عدالتی، دست کمی از پیشینیان نداشت و وضع به حدی خفقان‌آور و ناگوار و خطرناک بود که همگی یاران امام علیه السلام را در معرض خطر مرگ قرار می‌داد، چنانکه نام زبده‌هایشان در زمره لیست سیاه مرگ بودند.<sup>۱</sup>

۱. شاعر علوی در مقایسه عصر عباسیان و زمان بنی‌امیه چنین سروده است:

در این فضای پر از اختناق است که «جابر جعفی» از یاران ویژه امام علیه السلام، همان کسی که هفتاد هزار حدیث را به عنوان سرور از امام خویش فرا گرفته بود، وقتی برای انجام دادن امری به سوی کوفه می‌رفت، در بین راه قاصد تیزی پای امام علیه السلام به او می‌رسد و دستور امام علیه السلام را به او می‌رساند که خودت را به جنون و دیوانگی بزن، تا از این رهگذر جان خود را از مرگ حتمی نجات دهد!

→ «والله ما فعلت امیه فیهم معشار ما فعلت بنو العباس!»

به خدا سوگند که بنی امیه یک دهم ستمی را که بنی عباس (به علویان) کردند هرگز روا نداشتند. (ابن اثیر، الکامل ج ۵، ص ۵۳)

و نیز یکی دیگر از شعرای آن زمان به نام «ابوعطاء افلح بن یسار الندی» متوفای سال ۱۸۰ هجری که عصر امویان و عباسیان را درک کرده در مقایسه این دو عصر، چنین آرزوی می‌کند: «یالیت جور بنی مروان دام لنا ولیت عدل بنی عباس فی النار!»

ای کاش ظلم بنی مروان بر ما همچنان ادامه داشت و ای کاش عدل بنی عباس در آتش می‌سوخت. (بیهقی، المحاسن و المساوی ص ۲۴۶)

۱. جابر بن یزید جعفی هجده سال در خدمت امام باقر علیه السلام بود. وقتی می‌خواست به کوفه برگردد، از حضرت باقر علیه السلام خدا حافظی کرد و با حالت سرور و خوشحالی خارج شد. نعمان بن بشیر می‌گوید: «من و جابر، هم کجاوه بودیم و به طرف کوفه می‌رفتیم. آن روز جمعه بود و ما نماز خود را در محلی به نام «آخرجه» (اسم موضعی در مدینه) خواندیم و راه افتادیم. در این حال مردی بلند قامت و گندمگون رسید و نامه‌ای در دست داشت که آن را به دست جابر داد. جابر نامه را گرفت و بوسید و بر چشم خود گذارد. نامه از طرف حضرت باقر علیه السلام بود و هنوز مهر آن حضرت خشک نشده بود. جابر گفت: چه زمانی این نامه را از مولایم گرفته‌ای؟! گفت: همین ساعت. پرسید: بعد از نماز جمعه یا قبل از نماز؟ آن مرد گفت: بعد از نماز. خیلی تعجب بود که در این زمان کوتاه، آن مرد این همه فاصله را طی کرده بود. جابر با خواندن نامه چهره‌اش گرفته شد. سپس نامه را در جایی محفوظ کرد و دیگر من جابر را مسرور و خندان نیافتم تا به کوفه رسیدیم. هر یک از ما به خانه خود رفتیم. شب اول را که گذراندم، صبح برای اکرام و احترام به دیدن جابر رفتم که با منظره‌ای عجیب مواجه شدم. دیدم جابر از خانه‌اش خارج شد، در حالی که استخوان‌های مکعب شکلی را به گردن خود آویخته و بر چوب بلندی سوار است و مانند دیوانگان کلمات نامفهومی به زبان می‌آورد و می‌گوید: منصور بن جمهور کجاست؟ آن امیر غیر مأمور؟ و کلماتی از این قبیل.



آری، شیعه در ظاهر در سرایشی انزوا و سقوط می‌رفت، یعنی اسلام راستین به رنگ اندیشه خلفا درآید و به صورت اسلام بنی‌امیه‌ای یا عباسیان خودنمایی کند و حقایق دینی در زیر آوار خرافات و موهومات و احادیث جعلی جای بگیرد. اینجاست که شأن هدایت‌گری امام علیه السلام بایستی آن حقایق را بیرون بکشد و زنگار و غبارها را بزداید و از سویی در برابر زندیق‌ها و مادی‌گراها با نیروی منطق و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آنها را محکوم سازد. گفتگوهای علمی و مناظرات آن حضرت با افراد دهری و مادی‌گرا مانند ابن ابی العوجاء و ابن مقفع<sup>۱</sup> و ابوشاکر دیصانی<sup>۲</sup> معروف است.

→ پس جابر یک نگاه بسیار پر معنا به من انداخت؛ امانه او کلامی به من گفت و نه من به او چیزی گفتم. از این حالت جنون که به جابر دست داده بود، گریه ام گرفت که در این هنگام بچه‌ها و مردم کوچه و بازار جمع شدند و جابر با همان وضعیت رفت تا به میدان بزرگی رسید. در آنجا شروع کرد با بچه‌ها بازی کردن و دور آنها گشتن. مردم هم گفتند: جابر بن یزید دیوانه شد! وضعیت این چنین بود. چند روزی بیشتر نگذشته بود که به خدا قسم نامه‌ای از طرف هشام آمد که به والی کوفه نوشته بود: در کوفه کسی است به نام جابر بن یزید جعفی، او را پیدا کن و گردن بزن و سر او را برای من بفرست! والی کوفه که از مضمون نامه اطلاع پیدا کرد، به همراهان و مشاوران خود گفت: جابر بن یزید جعفی کیست؟ چون جابر هجده سال بود که کوفه را ترک کرده بود. گفتند: جابر مرد با فضیلت و عالم و راوی حدیث است. او به حج رفته و سپس دیوانه شده و روزها در میدان بزرگ شهر با بچه‌ها بر چوبی سوار می‌شود و بازی می‌کند. والی مدینه آمد و دید که جابر سوار بر چوبی است و با بچه‌ها مشغول بازی است. گفت: خدا را شکر که ما را از کشتن او در عافیت قرار داد. جابر به همین حال شبیه جنون بود تا ایام گذشت و امام باقر علیه السلام بعد از مدتی به شهادت رسید و دوازده سال از شهادت آن حضرت هم گذشت که یزید بن ولید خلیفه بنی‌امیه، منصور بن جمهور را والی کوفه قرار داد. معلوم شد امام باقر علیه السلام در طی آن نامه به جابر دستور فرموده بود تا وقتیکه والی کوفه منصور بن جمهور نشده، خود را به دیوانگی بزن تا جانم محفوظ بماند. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۳، ح ۸۵)

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۷۴، ح ۲.

۲. همان، ص ۷۹، ح ۴.

## اقدامات امام صادق علیه السلام برای نشر معارف صحیح اسلامی

در چنین شرایط دشواری، راهبرد امام علیه السلام اصلاح درونی امت و فارغ از ایجاد حکومت ظاهری، و به دنبال تشکیل جامعه صالحان هستند. امام صادق علیه السلام ستون این خیمه را بر پایا و به احیاء و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به وجود آورد که محصول و بازدهی آن، با ارتقاء و تثبیت و تعمیق مفاهیم و آموزه‌های شیعی، هزاران شاگرد متخصص در معارف و علوم گوناگون بودند و اینان در نقاط مختلف آن روز پخش شدند.

زراره‌ها، هشام بن حکم‌ها، مومن طاق‌ها و دیگر افراد از یاران و نصرت‌گران دین که به هر نحوی به دنبال انتشار معارف امام صادق علیه السلام بودند. همان‌گونه که صفوان بن یحیی معروف به «بیاع سابوری» به بهانه خرید و فروش پارچه‌هایی به نام شاپوری در شوش‌ترو جنوب غرب ایران فعلی، میراث امام علیه السلام را به آن مناطق می‌رساند.

از این‌رو عصر امام صادق علیه السلام در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج معارف و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند.

با توجه به این نکته ضرورت بازخوانی گونه‌های رفتاری و گفتاری امام صادق علیه السلام در شاخه‌های مختلف معارف و حیانی آشکار می‌شود.

## فضائل امام صادق علیه السلام در گفتار مخالفان

شناخت و معرفت شخصیتی که دوست و دشمن ستا پیش‌گرا و هستند؛  
(والفضل ما شهدت به الاعداء)!

ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ (متوفای ۵۲۵ ق.) نسبت به شخصیت امام علیه السلام چنین می‌نویسد:

«... وجعفر بن محمد الذی ملأ الدنيا علمه وفقهه...»<sup>۱</sup>

«... وجعفر بن محمد علیه السلام کسی است که دانش و فقه او دنیا را پر نموده است...»

ابوعبدالرحمن سلمی (متوفای ۴۱۲ ق.) در کتاب خودش «طبقات مشایخ الصوفیه» می‌نویسد:

«جعفر الصادق فاق جميع أقرانه من أهل البيت وهو ذو علم غزير في الدين وزهد بالغ في الدنيا وورع تام عن الشهوات وأدب كامل في الحكمة.»<sup>۲</sup>

«جعفر صادق علیه السلام سرآمد تمام هم‌ردیفان خود از اهل بیت بود و او دارای علم بسیار در دین، و زهد فراوان در دنیا، و ورع کامل از شهوات و ادب کامل در حکمت بود.»

## فضائل امام صادق علیه السلام در نزد پیروندگان متعال

از همه اینها اگر بگذریم همین بس که در خانه اگر کس است، يك حرف بس است.

لوحی را فرشته وحی از جانب حضرت حق متعال به سوی پیامبرش می‌فرستد و ارمانی برای سیده النساء حضرت زهرا علیها السلام می‌شود که بخشی از

۱. رسائل جاحظ، ص ۱۰۶.

۲. به نقل از: ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۴۵۷.

آن پیرامون امام صادق علیه السلام است:

«سَيَهْلِكُ الْمُزْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ علیه السلام، الرَّزَادُ عَلَيْهِ كَالرَّادِ عَلَيَّ، حَقَّقَ الْقَوْلُ  
مِنِّي لِأَكْرَمِنَ مَثْوَى جَعْفَرٍ وَلَا سِرَّهُ فِي أَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَائِهِ.»<sup>۱</sup>

«شکاکان در مورد جعفر علیه السلام هلاک خواهند شد؛ کسی که او را نپذیرد،  
مران پذیرفته است. به حق می گویم: جعفر را بسیار گرامی و محترم  
می دارم، او را در مورد پیروان و یاوران و دوستانش خوشحال خواهیم  
کرد.»

پس از این مقدمه کوتاه لازم به ذکر است که با استعانت از الطاف  
خداوند متعال و در سایه توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، گروه علمی  
معارف اهل بیت علیهم السلام در پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی خاتم النبیین علیه السلام  
ز آغاز اقدامات پژوهشی خود را با توسعه و تعمیق معارف اهل بیت علیهم السلام و  
علوم حوزوی و تبیین آموزه های و حیانی و کارآمدسازی دانش های دینی با  
نیازها و چالش های نوپدید دنبال کرده است.

این گروه علمی توفیق دارد که اولین نشست خود را در سال ۱۴۰۱ با عنوان  
«تحول کلامی عصر امام صادق علیه السلام» میزبان اساتید و معارف پژوهان باشد.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳.



## متن گفتار میهمان و سخنران نشست علمی

■ دکتر محمد تقی سبحانی<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و احترام خدمت پژوهشگران گرامی شرکت کننده در جلسه و تشکر از پژوهشگاه خاتم النبیین علیهم السلام جهت برگزاری این جلسه را دارم و امیدوارم این جلسه سرآغاز گفت و گوی بیشتری در باب اندیشه‌های معارف و بلندای آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام و امام صادق علیه السلام باشد.

### مقدمه

تردید نیست که از زمان امام صادق علیه السلام تاکنون، این مسأله واضح و آشکار بوده که عصر آن حضرت در طول تاریخ تفکر شیعه و معرفت اهل

۱. مدیر انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه قم و مؤسس انجمن امامت و ریاست بنیاد بین المللی امامت.

بیت علیهم‌السلام؛ یک دوره خاص تاریخی است. قرائن بسیاری در بیان دوستان و دشمنان و ناظران بر این قضیه بوده و هست که آنچه در عصر آن امام همام در حال رخداد است با شرایط گذشته‌ی اهل بیت علیهم‌السلام و تشیع تفاوت دارد.

### تفاوت‌های مهم عصر امام صادق علیه‌السلام با سایر امامان علیهم‌السلام

در یک نکته اشاره کنم که شیعه در طول تاریخ، فقط با دو عنوان از عناوین اهل بیت علیهم‌السلام شناخته شده است: «علوی» یا «جعفری» و هیچ عنوان دیگری از عناوین ائمه علیهم‌السلام در دوران خود اهل بیت علیهم‌السلام بر تشیع اطلاق نشده است. عنوان «علوی» از زمان امیرالمومنین علیه‌السلام به عنوان پایه گذار مکتب آغاز می‌شود و عنوان «جعفری» در زمان امام صادق علیه‌السلام، به عنوان پایه‌گذار نظام معارف و اصول مکتب مطرح می‌شود.

به تعبیر دیگر اگر قرار باشد ۲۵۰ سال حیات معنوی و معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام را بازشناسی کنیم، دو نقطه عطف از نظر تاریخی خواهیم داشت که نخست دوران امیرمؤمنان علیه‌السلام و دیگر زمان امام صادق علیه‌السلام است.

در این بازه‌زمان هر چند ما بایک فرآیند تدریجی در نشر تشیع مواجه هستیم؛ اما اگر عناصر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را در تمام این دوران بازشناسی کرده و معارفی که اهل بیت علیهم‌السلام توانستند آنها را تبیین کنند را شمارش کنیم؛ مشاهده می‌کنیم آن چیزی که در گذشته عرضه شده بود در مقایسه با آن چیزی که توسط امام صادق علیه‌السلام عرضه شد؛ مقدار بسیار ناچیزی است.

این امر، نه فقط از طریق احادیث و آثار باقیمانده و کتب نوشته شده توسط شاگردان قابل بازشناسایی است؛ بلکه از طریق گزارش مخالفان هم این امر کاملاً واضح است که در این نقطه تاریخی، یک اتفاق بزرگی روی داده است.

امر مهم‌تر این است که آنچه در معارف اعتقادی از امام صادق علیه السلام تا پایان دوران حضور اهل بیت علیهم السلام توسط سائر ائمه علیهم السلام در شکل‌ها و قالب‌ها و گونه‌های مختلفی نقل و عرضه شده؛ دارای اصل معرفتی جدیدی پس از امام صادق علیه السلام نیست.

از این رو و ادعای مهم در این زمینه مطرح است:

۱. معارف منتشر شده از اهل بیت علیهم السلام تا زمان امام صادق علیه السلام به تدریج در حال ظهور و بروز است و قابل مقایسه با حجم معارف ظاهر شده از امیر مؤمنان علیه السلام نیست.

۲. آنچه در آینده از سوی اهل بیت علیهم السلام ارائه شده، نسبت به آن چیزی که از معارف جعفری علیه السلام داریم؛ هیچ نکته تازه‌ای ندارد.

و پر واضح است که آنچه توسط امامان بعد از امام صادق علیه السلام مطرح می‌شود؛ شامل تبیین، گسترش، بیان جزئیات و دفاع در مقابل خطوط انحرافی در مقابل مکتب جعفری است.

طبق پژوهش‌های شخصی باید بگویم که اصلی از اصول تشیع و حتی فرعی از فروع اعتقادی شیعه؛ در زمان آن حضرت علیه السلام ناگفته و غیر آشکار باقی نمانده که بخواهد در آینده توسط ائمه اطهار علیهم السلام بیان شود که این امر نشان دهنده اهمیت این دوره تاریخی در مجموعه‌ی سیر بیان و ابراز معارف توسط اهل بیت علیهم السلام است.

### اسباب شکل‌گیری شرایط خاص عصر امام صادق علیه السلام

سؤالی در اینجا مطرح است که اسباب شکل‌گیری چنین شرایطی و

عوامل چنین شکوفایی و عرضه‌ی گسترده معارف چه بوده است؟ و دیگر پرسش آن که چه اتفاقاتی در این دوره تاریخی از نظر کلامی و اعتقادی افتاده است که دوست و دشمن نسبت به این دوره، نسبت به شخصیت امام صادق علیه السلام و نسبت به تشیع این چنین حساس شده و با توجه و تمرکز این عصر را دنبال می‌کردند؟

برای پاسخ به این قضیه، ابتدا باید شرایط فرهنگی و اجتماعی دوران امام صادق علیه السلام را مرور کرد و اتفاقات در دوره‌های قبل را بررسی کرد و در زمان آن حضرت به ثمر رسیده؟ و یا چه شرایط جدیدی به وجود آمد که برای آن حضرت این فرصت را ایجاد کرد که این ظهور و بروز معارف به دست و بیان آن بزرگوار رقم بخورد؟

البته نکات فراوانی در تاریخ آن عصر بیان شده و در این مجال فقط به نکاتی اشاره‌ای می‌کنیم که نقطه عطف تحول کلامی آن زمان است. اگر بخواهیم از پس زمینه‌های تاریخی سخن بگوییم؛ سه ویژگی یا سه تحول خاص در کل جهان اسلام در حال رخداد است و اگر قبلاً وجود داشته، در دوران امام صادق علیه السلام کاملاً ظهور و بروز پیدا کرده است.

نکته‌ای که در ابتدا باید مورد توجه قرار دهیم این است که زمان حیات اهل بیت علیهم السلام از نظر کمیت زمانی با زمان دنیای مامتفاوت است. پاره‌ای از ائمه اطهار علیهم السلام عمر شریف یا عمر امامتشان به حدی کوتاه است و شرایط هم به نحوی است که اساساً بسیاری از تحلیل‌ها ناکام باقی می‌ماند.

اما چندان از اهل بیت علیهم السلام نیز از نظر طول عمر آن‌گونه هستند که این ظرفیت مکانی و زمانی دنیوی برایشان ایجاد شده است. امام



سجاد علیه السلام اوسپس امام صادق علیه السلام<sup>۱</sup> این گونه بودند. طول ۳۴ سال دوران تاریخ امامتی ایشان؛ همزمان با دوران بنی امیه به مدت هشت سال و سپس بنی العباس بوده و اتفاقات بزرگی از نظر فکری و از نظر فکری، سیاسی و اجتماعی شکل یافته است.

### ظرفیت سیاسی و فرهنگی عصر امام صادق علیه السلام

اولین ویژگی در این دوره که باید مورد توجه قرار بگیرد، زمینه و ظرفیت سیاسی و فرهنگی این دوران است که تقریباً از اواخر دوران امام باقر علیه السلام تا زمان به قدرت رسیدن عباسیان در سال ۱۳۲ هجری قمری؛ آشفستگی های جهان اسلام امتداد پیدا می کند.

این آشفستگی ها تا چندین سال یعنی از سال ۱۱۴ تا سال ۱۴۸ هجری قمری ادامه دارد و عدم استقرار بنی العباس یک فرصت بزرگی است که امام صادق علیه السلام در این دوران تلاش در جهت رسالت معرفتی و تاریخی دارند و شاگردان حضرت به اندازه های گسترده شده اند که فشارهای بعدی؛ دیگر نمی تواند جلوی معارف جعفری را بگیرد.

دومین ویژگی در این زمان؛ متفق شدن جریان های فکری و مدارس مخالف پس از پراکندگی به گروه های منسجم قاعده مند و دارای اصول و مبانی برای اولین بار است.

تا زمان امام باقر علیه السلام علمای بزرگی از اهل سنت مشغول فعالیت

۱. دوران امامت امام سجاد علیه السلام ۳۳ یا ۳۴ سال بوده است. ر.ک: شیخ مفید، مسار الشیعه، ص ۲۶، همو، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲. دوران امامت امام صادق علیه السلام ۳۴ سال بوده است. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۸۰.

هستند. شخصیت‌های کلامی مانند «حسن بصری» (متوفای ۱۱۰ هجری قمری) که در علوم مختلف دارای پایگاه انتشار عقائد و شاگردانی است، ولی اساساً نتوانست یک سامانه معرفتی برای اهل سنت ایجاد کند.

شخصیت دیگر مانند «غیلان دمشقی» است که یک شخصیت پُر توان با کتاب‌های مختلف و بسیار پرتأثیر است، ولی یک فرد دارای اندیشه و صاحب مکتب نیست.<sup>۱</sup>

حتی جریان مرجئه تا زمان امام صادق علیه السلام و اواخر دوران امام باقر علیه السلام هنوز شکل مذهب و مکتب به خود نگرفتند. در تاریخ به این گروه ارجاء اول (مرجئه‌الاولی) می‌گویند. مرجئه‌الاولی یعنی یک جنبش اعتقادی-سیاسی که دارای افرادی هستند، اما مکتب ندارند.

به این دلیل هیچ یک از برجسب‌های فرقه‌ای تا زمان امام صادق علیه السلام هنوز شکل نگرفته است.

خوارچ در زمان امام صادق علیه السلام در شکل سیاسی فعالیت می‌کنند و دارای مدرسه و کرسی برای خود بوده و اصول و قواعد خود را تدوین می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. ابومروان غیلان، فرزند مسلم دمشقی قبطی، از بزرگان قدریه معتزله و از متکلمین که در زمان خلافت هشام بن عبدالملک، خلیفه بنی امیه بود. پدرش نیز غلام عثمان ابن عفان بود. غیلان نویسنده و از بلیغان بود. فرقه غیلانیه از قدریه به او منسوب هستند زیرا او دومین کسی است که درباره قدر سخن گفت و به آن دعوت کرد. حدود سال ۱۰۵ هـ. ق به بعد عقیده غیلان دمشقی به قدر بود و اعتقاد به قضای خداوندی یعنی حکم ازلی خدا درباره اشیاء و افعال انسان‌ها نداشت.

۲. منظور از مدرسه یعنی مجموعه‌ای از متخصصان در یک رشته معین علمی که در تعامل با یکدیگر و بر محور یک محیط جغرافیایی محدود، به تولید محصولات نوین علمی دست می‌زنند. ر. ک: مقاله «کلام امامیه، ریشه‌ها، رویش‌ها» محمد تقی سبحانی و کتاب «مدرسه ←

نتیجه آن که شکل‌گیری مکاتب فکری جریان مخالفان در عصر حیات امام صادق علیه السلام است.

ویژگی سوم که در جهان اسلام رخ می‌دهد این است که مرزهای فکری مسلمین با جریان‌های غیراسلامی درگیر می‌شود.

در حوزه ادیان، نقطه آغاز تعاملات دینی از هر سوبه طور جدی از زمان امام صادق علیه السلام است که البته پیش از این تأثیرات بوده، ولی شروع ارتباطات دینی از این دوره است.

نمونه دیگر جریان‌های فلسفی است که نهضت ترجمه به معنای ترجمه‌ی شفاهی دقیق‌تر همین دوره تاریخی روی داده است. آثار فلسفی یونانی از زبان‌های سریانی به زبان عربی ترجمه می‌شود.

حضور اندیشه‌های شرقی در جهان اسلام باریشه‌آیین بود که بعدها به نام صوفیه از آنها یاد می‌شود؛ به صورت اندیشه‌ای و فرقه‌ای مربوط به این دوره است. الحاد نخستین بار به صورت سازمان یافته در دوران امام صادق علیه السلام بروز و ظهور پیدا می‌کند. بحث‌های اعتقادی مسلمین سابقاً تنها یک بحث درون دینی بود، اما باب‌گفتگو با سایر ادیان و مذاهب در این دوران باز می‌شود.<sup>۱</sup>

## تعاملات امام صادق علیه السلام با عرصه‌های فکری و کلامی

افزون بر این سه ویژگی در جهان اسلام، دو ویژگی مهم درون جامعه تشیع رخ می‌دهد که این هم نسبت به گذشته جهان تشیع یک پدیده

→ الحدیث فی البصرة حتى القرن الثالث الهجري «امین القضاة.

۱. ر.ک: مدرسه کلامی امامیه، جمعی از نویسندگان.

جدید است و تأثیر بسزایی در نوع تعامل حضرت با عرصه‌های فکری و کلامی دارد. نیازمندی شدید جامعه شیعه به یک دستگاه اعتقادی؛ اولین مسأله قابل توجه در دوران امام صادق علیه السلام است.

بعد از عاشورا، راهبردا ئمه علیهم السلام در تعامل با جامعه اسلامی تغییر پیدا کرد. تا زمان عاشورا جریان فکری اهل بیت علیهم السلام اصلاح امت اسلامی بود و عاشورا نقطه‌ی پایان این اصلاح است. یعنی اهل بیت علیهم السلام از اصلاح جریان عمومی اسلامی دست می‌کشند و این را کار آمدن می‌دانند و به یک نوع اصلاح دیگری که همان تأسیس جامعه اعتقادی صالحان است، دست می‌زنند.<sup>۱</sup>

در این دوران، امامت در شکل عام خود که مورد غصب قرار گرفته بود و امکان بازگشتش نبود، این امامت در کالبد جامعه مؤمنین وارد می‌شود و یک امامت عمیق اعتقادی، اجتماعی و سیاسی شکل می‌یابد.

این برنامه از زمان امام سجاد علیه السلام آغاز می‌شود و بی‌تردید پایه‌گذاری آن توسط ایشان بوده است و ما دوران بلند تاریخی امامت امام سجاد علیه السلام را نمی‌شناسیم.

در دوران امام باقر علیه السلام این نظام و این دیواره‌ی جامعه مؤمنان کاملاً شکل می‌گیرد؛ اما آن حضرت تنها می‌توانند عمود این خیمه را از نظر اعتقادی بپا کنند.

در زمان امام صادق علیه السلام یک نیاز جدی وجود دارد و آن این است که شیعه به صورت یک اجتماع، کاملاً تعریف شده و دارای نیاز جدی به سرچشمه معنویت است. باید توجه داشت که تمام اصول اعتقادی که

۱. ر.ک: مقاله «مدرسه فکری امامیه در مدینه» از محمد تقی سبحانی.

در معارف امام صادق علیه السلام دیده می شود، به صورت اصول راهنما در معارف امام باقر علیه السلام بیان شده است. از توحید، عدل، ایمان و مسائل مربوط به معاد همه به صورت اصول راهنما موجود است.

در این دوره تاریخی، جامعه شیعی که توسط امام باقر علیه السلام به اصول مکتب اهل بیت علیهم السلام آشنا شده؛ حالات تشنه این سرچشمه معنویت است. البته این تشنگی به دلیل تغییر رویکرد شیعیان در رجوع به امام است. به این صورت که آنها به منزل امام می رفتند و معارف را دریافت می کردند. در حالی که این معارف در گذشته هم وجود داشته ولی خفقان، ضعف کلی جامعه و محدودیت های اهل بیت علیهم السلام در گذشته؛ اجازه این انتشار را نمی داد و جامعه شیعه به این صورت جنبه اعتقادی نداشت. ولی حال سیل این گروه، با این تشنگی و با کسب معارف از محضر امام سجاد و امام باقر علیهم السلام نیاز به تفصیل بیشتری دارند. این ویژگی نخست درون جامعه تشیع در این عصر بود.

ویژگی دوم در جامعه درون شیعه، ورود مکاتب و جریان های رقیب است که اتفاق جدیدی را رقم زدند و آن اتفاق، واگرایی های اعتقادی از اهل بیت علیهم السلام به سوی جریان های انحرافی است.

جریان «کیسانیه» از حدود سال ۱۰۰ هجری قمری آغاز شد و هیچ گزارش تاریخی مبتنی بر این سخن که کیسانیه از زمان محمد بن حنفیه یا مختار آغاز شده است، نداریم و آنچه واگرایی اعتقادی به نام کیسانیه وجود دارد در بهترین حالت از سال ۱۰۰ تا ۱۰۵ هجری قمری است و قبل از آن همه تبلیغات است.

«زیدیه» به عنوان یک جریان اعتقادی در دوران امام صادق علیه السلام ظهور و بروز پیدامی‌کند.

جریان «غلات» به عنوان یکی از خطرناک‌ترین جریان‌هایی است که نه تنها باعث واگرایی از اهل بیت علیهم السلام است؛ بلکه بستر خروج مؤمنان معتقد از کنار اهل بیت علیهم السلام را آغاز نمود. خطر غلات در زمان امام صادق علیه السلام از خطر کیسانیه و زیدیه و حتی از خطر مخالفین بیشتر است؛ چون جریان غلات از یاران اهل بیت علیهم السلام یا رگریری می‌کردند و جریان منسجم درون امامیه، دچار انحراف و گسستگی می‌شد و این مسأله، یکی از ابتلائات مهم شیعه و امام صادق علیه السلام است.

علاوه بر این دو ویژگی، ویژگی‌های مهم دیگری در مستندات و شواهد تاریخی وجود دارد.

نتیجه آن که آغاز امامت امام صادق علیه السلام در یک فرصت زمانی و شرایط نسبتاً باز سیاسی برای انتشار معارف نسبت به جامعه‌ای است که با این تشنگی به طور جدی می‌خواهد به دامان اهل بیت علیهم السلام پناه ببرد. این جامعه دچار تهدید جدی وجود انحراف و شکست‌های داخلی و جدایی اعتقادی در میان شیعیان خود است که اگر این انحرافات و این شکست‌های داخلی ادامه پیدا کند؛ عملاً از جامعه شیعه چیزی باقی نمی‌ماند.

تهدید مخاطرات خارجی شامل فرقه‌های متکی به سیاست، متکی به خط خلافت یا متکی به معارف و مکتب‌های بین‌المللی و ترجمه کتب مکاتب فلسفی که قرن‌ها از وجود آنها می‌گذرد و همچنین ورود جریان تصوف باطنی از شرق تا مدینه که در این عصر همگی در تلاش برای یارگیری از بین مسلمانان و شیعیان هستند.

## روش برخورد امام صادق علیه السلام با جریان‌های مخالف

حال لازم است که بررسی کنیم امام صادق علیه السلام در این شرائط تاریخی، چه حرکتی انجام می‌دهند؟ چه راهبردی را در صحنه‌ی جهان اسلام پیاده می‌کنند که نه تنها از فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده می‌کنند و با تهدیدات مواجهه می‌کنند؛ بلکه سرمایه‌ای را تا پایان تاریخ برای مسلمین و شیعیان و طالبان حقیقت باقی می‌گذارند.

میراث فقهی که از امام صادق علیه السلام به ما رسیده به روشنی پیدا است. میزان روایات اعتقادی که در کتاب‌های کافی، بصائر الدرجات، محاسن برقی و... از امام صادق علیه السلام بیان شده اصلاً قابل مقایسه با همه روایات منقول از دیگر ائمه علیهم السلام نیست. این مسأله نشان می‌دهد که حضرت در این دوره تاریخی یک سرمایه‌ی بزرگ معنوی برای جهان اسلام باقی گذاشتند که اگر شما این سرمایه امام صادق علیه السلام را از کل میراث اعتقادی اسلام حذف کنید؛ آنچه باقی می‌ماند جز اندک معارفی که از سایر اهل بیت علیهم السلام داریم دیگر چیزی جز یک انبان تهی از حقیقت و معرفت باقی نمی‌ماند.

اگر کسی منکر این سخن ما هست؛ می‌تواند صحیحین از صحیح مسلم و بخاری و مسند احمد بن حنبل را به عنوان منابع مهم و بهترین آنها در یک طرف و معارف اعتقادی شیعه را در یک جا قرار دهد و ببیند این میراث اعتقادی چه عَرَضه‌ای برای سخن دارد؟

## محورهای اساسی میراث شیعی امام صادق علیه السلام

به نظر می‌رسد آنچه آن حضرت در این دوره‌ی تاریخی باقی گذاشتند

غیر از مسأله کمیّتی آن؛ در چهار یا پنج محور مهم در تاریخ معرفت شیعی و اسلامی تقسیم می‌شود.

اینها کارهای استثنایی است که بار آن بر دوش مبارک امام صادق علیه السلام بوده و حضرتش این رسالت بزرگ را انجام دادند. لازم به تأکید است که بدانیم اینطور نیست که گمان شود امامان قبل از امام صادق علیه السلام معارفی بیان نکردند. این خلاف تمام گزارش‌های تاریخی و خلاف میراث ماست. در زمان امام باقر علیه السلام نیز این معارف را داریم و تربیت شاگرد هم صورت گرفته است؛ اما نکته مهم این است آنچه که دوران امام صادق علیه السلام را از دوران قبل ممتاز می‌کند، صرفاً کمیت روایات بیان شده از ایشان یا تعداد شاگردان حضرت نیست؛ بلکه تغییر دوران امام صادق علیه السلام یک تغییر کیفی است. آنچه سبب می‌شود به شیعه، عنوان «جعفری» مهر بخورد و از آن پس با همین عنوان نامیده شود؛ مسأله تغییر کیفی است.

این تغییرات کیفی را می‌توان در پنج محور اساسی در فرمایشات امام صادق علیه السلام پیدا کرده و مطرح کنیم:

#### ۱. مرزبندی و مرزگذاری اندیشه تشیع از سایر نحلّه‌ها و مکتب‌ها

برای اولین بار در تاریخ تشیع؛ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و اجد یک مجموعه‌ای از اندیشه‌های متمایز با سایر مکتب‌ها می‌شود. در زمان امام باقر علیه السلام؛ اصول توحیدی، اصول مربوط به جبر و اختیار، مباحث مربوط به فاعلیت الهی، بحث ایمان و مباحث امامت با وجوه کلی آن مطرح شده است. اما مرزبندی‌های دقیق اعتقادی که دقیقاً چه نکاتی و چه محورهایی در جریان حق و در نقطه‌ی مقابل در جریان باطل وجود دارد؛ فقط در این دوره تاریخی انجام شده است.



ماشواهدی در این مورد داریم، مانند: تفصیل مباحث، ورود در جزئیات مباحث اعتقادی، فاصله‌گذاری میان اعتقادات شیعه با اعتقادات دیگران و... که در زمان امام صادق علیه السلام مطرح شده است. بادقت در روایات صادره از حضرت، می‌توان مجموعه معارف ایشان را مانند نفی جبر و تفویض، نفی تشبیه و تعطیل و... در یک جدول سه ستونه جمع بندی کرد.

علت اینکه از سه ستون صحبت می‌کنم به خاطر وجود دو جریان رقیب شیعه در آن زمان است که شامل قدریه و جبریه است. امامی توان همین مرز بندی را با اندیشه‌های الحادی و باطنی نیز داشت.

اولین کاری که حضرت انجام می‌دهند این است که دقیقاً مرزهای اندیشه‌ی شیعه را با حساسیت و دقت جدامی کنند.

یک نکته که در اینجا لازم است ذکر شود به عنوان یکی از مصیبت‌های تاریخ تفکر شیعه پس از دوران حضور قلمداد می‌شود، فراموشی این مرز بندی‌های خاص هست. یعنی خط و مرزی که امام صادق علیه السلام کشیدند و این اندیشه‌ی ناب را با اصرار و سختی فراوان و روش‌های تبلیغی و تبیینی از مکاتب دیگر جدا کردند، بعد از تاریخ عصر حضور ائمه علیهم السلام، ضعیف شد و کار به جایی رسید که حتی امر بر بعضی از علمای مسلمین و علمای شیعه نیز مشتبه شد که این مرزی که امام صادق علیه السلام گذاشته اند کجاست؟ در حالی که این مرز بندی در زمان امام صادق علیه السلام مشخص شده بود.

امروز ما میراثی از آن حضرت داریم که اگر کسی بانگاه اجتهادی مواجه شود کاملاً می‌تواند این مرزها را از همدیگر تفکیک کند و اگر مجموعه روایات امام صادق علیه السلام از مجموعه‌های روایی شیعه برداشته شود، این مرز بندی‌ها مشخص و معین نمی‌شود؛ یعنی معارف وجود خواهد داشت اما مرز بندی‌ها مشخص نخواهد شد.

از دیگر شواهد بر تبیین دقیق مرز بندی‌ها، تعیین دقیق مصداق برائت و مؤلفه‌های آن و همچنین مصداق‌های ولایت و سطوح و وجوه ولایت است که در زمان امام صادق علیه السلام تبیین شده است.<sup>۱</sup>

## ۲. تبیین‌های نظری و مبتنی بر ادله و استدلال

معارف ما تا قبل از زمان امام صادق علیه السلام عنوان معرفتی دارد اما تبیین عقلانی و تبیین قرآنی هر اعتقادی، یعنی شواهد عقلی و شواهد نقلی اعتقادات توسط آن حضرت مشخص شده است. این تبیین نظری و مستدل و استنتاج در معارف امام صادق علیه السلام است و این موجب تغییر کیفی می‌شود.

دلیل این رویداد این است که جریان‌های رقیب از جمله خوارج، مرجئه و قدریه، دارای کرسی‌های علمی هستند و اصول خود را تنقیح کرده‌اند و امام مقابل اینها باید جبهه بندی کنند و معارف شیعه را از قالب یک نظام اعتقادی و اعتقادنامه تبدیل به یک کلام فقهی مبسوط مستدل و توأم با ادله و شواهد کنند.

## ۳. تبیین نظام‌مند معارف شیعه

تفاوتی بین نظام فقه و نظام اعتقادی وجود دارد. درست است که در فقه ابواب مختلفی وجود دارد و به ظاهر هم مرتبط هستند اما ارتباط و اتصال نظام‌مندی میان احکام فقهی وجود ندارد. احکام تعبدی هستند، مثلاً در باب طهارت، یک حکمی با حکم دیگر چه بسا ارتباطی ندارد. اما در حوزه اعتقادات اینگونه نیست. نمی‌توان در باب توحید افعالی سخنی گفت ولی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: «کلام امامیه، ریشه‌ها و رویش‌ها» از محمد تقی سبحانی.

در مسأله امامت و ولایت در باب مقامات ائمه علیهم السلام سخنی دیگر گفت که با توحید افعالی منافات داشته باشد. نمی‌توان در باب هستی‌شناسی چیزی گفت و در باب انسان‌شناسی چیز دیگری. در باب انسان‌شناسی چیزی گفت و در باب معاد چیز دیگری؛ زیرا اینها تعبدی نیستند.

اساساً اعتقادات، مبتنی بر یک نظام شکل می‌گیرد و ما با مجموعه‌ای منسجم و مرتبطی از عقائد مواجه هستیم به طوری که اگر در بحث مقامات ائمه علیهم السلام چیزی گفته شود که با اصل توحیدی منافات داشته باشد؛ تناقض شکل می‌گیرد.

باید در این موضوع در احادیث امام صادق علیه السلام یک کنکاش صورت بگیرد. البته مسندهایی در این باره نوشته شده است، ولی چون بر اساس این نگرش نظام مند کلامی نوشته نشده است شاید تا حدودی کمک بکند اما وافی و کافی نیست.

یکی از نکات برجسته روایات امام صادق علیه السلام در مباحث مختلف اعتقادی، ارجاعات و اشارات به سایر مواضع است. وقتی از ایشان در باره امامت می‌پرسند، امامت را به نبوت گره می‌زنند. وقتی از مقامات می‌پرسند (مثلاً در مقابل خط غلات) تمام استدلال‌های امام، ادله توحیدی است؛ یعنی حضرت برای اثبات یک مقام برای غلو در این زمینه به این استدلال کردند و برای تقصیرش هم به این. به عنوان نمونه، از گروه «مقصره» که همین خط بتریه و اسلاف زیدیه هستند، با حضرت در مورد امامت صحبت می‌کنند؛ حضرت امامت را به نبوت وصل می‌کنند و می‌فرمایند: همین حرف را در مورد پیامبر و پیامبران هم می‌توانید بگویید؟

این‌گردش و نظریه‌های اعتقادی و این جریان به هم مرتبط است

که یک مکتب را مکتب اصیل می‌کند. ممکن است یک مجموعه از اعتقادات را کسی ارائه کند و دارای عناوین اعتقادی هم باشد اما این فرقه محسوب می‌شود. ولی یک مکتب اعتقادی نیاز به نظام اعتقادی استواری است.

بحث‌های معرفت‌شناسی روایات امام صادق علیه السلام که پایه‌های اساسی مکتب شیعه است، بهت انگیز است. ۹۰ درصد معارف عقلی مادر بحث معرفت‌شناسی از روایات امام صادق علیه السلام است.

معارف مرتبط با مبانی فطری، یعنی اینکه بنیادهای معرفت شیعی و اسلامی بر روی فطرت بنا شده است، منبع اصلی آن، عمدتاً روایات امام صادق علیه السلام است و فقط اشارات آن در روایات امام باقر علیه السلام است. جایگاه قرآن در معرفت و تفسیر و تفصیل آن از امام صادق علیه السلام است. بخش عمده‌ای از شیوه‌های استدلال و استنتاج برای امام صادق علیه السلام است. البته بعدها به جهت وجود زمینه مناسب از امام رضا علیه السلام نیز بعد‌ها روایاتی وجود دارد.<sup>۱</sup>

#### ۴. تبیین عناصر خاص و ویژه در مکتب اهل بیت علیهم السلام

آغاز تبیین عناصر اختصاصی تفکر شیعه مربوط به امام صادق علیه السلام است. مادر اصول عامه از جمله توحید افعالی، اسماء و صفات، قضا و قدر و... با مکتب خلفاء اختلاف داریم.

اما یک مورد اعتقادی خاصی است که از ویژگی‌های معارف اهل بیت علیهم السلام است که به بیان خودشان از آن در دانه‌های اعتقادی است که فقط در دست ماست. ممکن است که بقیه مردم آیات قرآن را ببینند و آیات قرآن

۱. برای مطالعه بیشتر رک: «معرفت‌شناسی در مکتب امام صادق علیه السلام» از دکتر مهدی گلشنی.

فهمی پیدا کنند و در سنت نبوی به چیزی دست پیدا کنند، اما یک سری دردانه‌های معرفتی و کلیدهای ویژه‌ای هست که با آن قفل‌های معرفت تاریخی باز می‌شود.

بشر در طول تاریخ مشکلاتی از جمله بحث جبر و اختیار دارد که هر چه در تاریخ پیش می‌رویم این شبهه وجود دارد و تا زمان اهل بیت علیهم‌السلام هم ادامه دارد. حالا این گره جبر و اختیار و نظریه امر بین الامرین توسط چه کسی باز می‌شود؟ بی‌تردید این شخصیت امام صادق علیه‌السلام است.

البته این به این معنی نیست که در کلمات امیر المؤمنین و امام باقر علیهم‌السلام این مسأله وجود ندارد، بلکه تبیین مسأله و باز کردن آن توسط امام صادق علیه‌السلام انجام شده است.

در کتاب کافی این روایت وجود دارد که از حضرت پرسیدند آیا منزلتی برای امر بین الامرین وجود دارد؟ حضرت فرمودند: «رَعِمَ أَوْسَعُ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۱</sup>

و در روایت دیگر فرمودند: «لَا جَبْرَ وَلَا قَدَرَ وَ لَكِنْ مَنزِلَةٌ بَيْنَهُمَا فِيهَا الْحَقُّ الَّتِي بَيْنَهُمَا لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا الْعَالِمُ أَوْ مَنْ عَلَّمَهَا إِيَّاهُ الْعَالِمُ»<sup>۲</sup> این منزلت امر بین الامرین را فقط عالم ربانی یعنی معصوم می‌داند و هر کسی که شاگردی او را کرده باشد.

همچنین در مسأله قضا و قدر و تقدیر، که گمان برخی بر این است که این مسأله فقط در اسلام است در صورتی که در یهودیت و مسیحیت هم این

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۹.

۲. همان، ح ۱۰.

مسئله وجود دارد.<sup>۱</sup> حتی در فلسفه‌ی یونان و ادیان شرقی هم مسئله قضا و قدر وجود دارد. اما محلّ حقیقی مسئله قدر در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و در بیان قرآنی ایشان است. گره این کار به دست امام صادق علیه‌السلام باز شده است، یعنی ما اگر روایات امام صادق علیه‌السلام را از مجموعه‌ی میراث اهل بیت علیهم‌السلام حذف کنیم به نظر می‌رسد مسئله قضا و قدر قابل حل نیست. اما مانع بعد از ایشان این مسئله را تفصیل و تبیین کرده‌اند، ولی پایه اساسی و حلّ اصلی این مسئله از زمان امام صادق علیه‌السلام گذاشته شده است.

#### ۵. شبکه شاگردان امام صادق علیه‌السلام

شاگردپروری یکی از ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام است. یعنی هر جا اهل بیت علیهم‌السلام و شاگردان ایشان بوده‌اند یکی از کارهای اساسی‌شان، تربیت شاگرد است و دستور هم داده‌اند که «لَوَدِدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُؤُوسُهُمْ بِالسِّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا»<sup>۲</sup> و دستور به تعلیم و تربیت شاگرد نموده‌اند. اما اتفاقی که در زمان امام صادق علیه‌السلام رخ می‌دهد فقط تربیت شاگرد نیست. بلکه تربیت شبکه‌ی توزیع معارف و حیانی است. ویژگی‌های خاصی در شاگردان امام صادق علیه‌السلام وجود دارد و در کلمات امام علیه‌السلام و در تربیت و سیره رفتاری آن حضرت نیز کاملاً واضح است. اینطور نیست که حضرت به آنها بیاموزند که بیایید سؤال بپرسید و جوابی بگیرید و بروید، بلکه حضرت آموزش می‌دهند که چگونه سؤال کنید؛ جواب در یافتی را چگونه حفظ و ضبط کنید و چگونه انتشار دهید؛ چه مطالبی را برای چه کسانی بگویید

۱. برای مطالعه بیشتر، ک: پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی قضا و قدر در قرآن و عهدین» از نسرین ایمانی.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۱، ح ۸.

و همچنین طبقه بندی نظام آموزشی از کارهایی است که در این سیستم انجام شده است.

بخشی از معارف اهل بیت علیهم السلام به صورت اسرار به برخی از شاگردان خاص گفته می‌شد و امام کسانی که این اسرار را به عوام مردم و آشکارا بیان می‌کردند مؤاخذه می‌نمودند. در کتاب کافی داریم حضرت یکی از اصحاب خود را که از کوفه آمده به مدینه و سؤال می‌پرسد، مؤاخذه می‌کنند که به دوستان خود در کوفه بگویید یک سری معارف را مادر کنار گوششان در مدینه می‌گوییم و اینها می‌روند در بازار کوفه داد می‌زنند. این مطلب، مطلب اختصاصی شماست و باید اسرار حفظ شود.

تربیت تخصصی افراد برای مناظره نیز از کارهایی بود که در سیستم آموزشی امام صادق علیه السلام انجام می‌شد. کسانی که توانمندی در مناظره نداشتند را از این کار نهی می‌کردند و از طرف دیگر اشکالات شاگردانی که در مناظرات شرکت می‌کردند را به آن افراد تذکر می‌دادند. فرصت این کارها در هیچ دوره‌ای از دوره‌های حیات ائمه اطهار علیهم السلام پیش نیامده بود، ولی امام صادق علیه السلام این کار را انجام دادند.

به بیان خود حضرت، آثار مکتوب اعتقادی اهل بیت علیهم السلام محصول شاگردان آن حضرت و شاگردان شاگردان ایشان است. البته به غیر از آن، میراث محدودی از امام رضا علیه السلام در مرو باقی مانده و در قالب همان میراث خاص که در عیون اخبار الرضا علیه السلام منعکس شده است و نیز آثاری از امامان ابن الرضا علیهم السلام باقی مانده است که همه این میراث، محصول نگاشته‌ها و ثبت و ضبط و انتقال این شبکه از نخبگانی است که انتشار این معارف را به عهده دارند.

امیدوارم این جلسات زمینه معرفت بیشتر ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص ابعاد معرفتی مکتب ایشان را برای ما فراهم کند. البته باتذکر به این نکته که در عصری قرار داریم که حاجت به مباحث اعتقادی، معرفتی و نظری کتاب و سنت بیش از گذشته احساس می شود. امید است پژوهشگران و محققان ما بخش عمده از سرمایه عمر و مسیر علمی خود را صرف آموختن و تبیین و ترویج این معارف قرار دهند.

خداوند ما را و اجداد این معارف بلند گرداند و متحمل این علوم آل

محمد صلی الله علیه و آله شویم.



## پرسش و پاسخ:

۱- آیا مسندی در امور و آثار اعتقادی از امام صادق علیه السلام نوشته شده است؟

**پاسخ:** اگر منظور در زمان‌های گذشته است؛ که نوشته نشده است. البته در بین کتاب‌هایی که در فهرست نجاشی یا فهرست شیخ طوسی وجود دارد آثاری است که می‌دانیم مجموعه روایات امام صادق علیه السلام و احیاناً روایات امام باقر علیه السلام است و شاید از امام موسی کاظم علیه السلام هم باشد که موضوعی است. مثلاً «رساله استطاعت» از زراره که می‌دانیم اکثر آن روایات امام صادق علیه السلام است. اگر به این شکل منظورتان هست؛ این کار در گذشته بوده و در دوره‌های بعد نیز کارهایی صورت گرفته است. در دوران معاصر نیز مسند جامعی منحصر در مورد اعتقادات نوشته نشده است. البته مسندی که مرحوم آقای عطاردی نوشته‌اند به ترتیب موضوعی است و بخش اعتقادی آن هم قابل توجه هست. اما مشکلش این است که نظم و ترتیب و سامان‌دهی آن مبتنی بر یک نگاه تخصصی اعتقادی نیست. عناوین به صورت کلی است حتی ترتیب این مسند هم ترتیب دقیقی نیست و حتماً نیازمند یک کار فنی دقیق بر روی مسند است.

و علاوه بر آن «موسوعه الامام الصادق علیه السلام» از مرحوم آیت الله سید محمد کاظم قزوینی حدود شصت مجلد وجود دارد که بخشی از آن یعنی

حدود جلد چهارم تا دوازدهم آن در باب اعتقادات است.

۲- نسبت به شاخص‌های حیات امام صادق علیه السلام از تبیین اصول اعتقادی شیعه و تعیین صف‌بندی اعتقادات مکتب اهل بیت علیهم السلام با سایر ادیان، مکاتب و فرقه‌های مختلف که ارائه فرمودید، سؤالی هست و آن این که آیا این تبیین و تعیین، ارتباط مستقیم با نوع بینش امام داشته یا شرایط اجتماعی در آن مؤثر بوده است؟ به عبارتی اگر هر یک از ائمه علیهم السلام در چنین شرایطی بودند این مدل کار علمی را انجام می‌دادند و این بروز اجتماعی را داشتند یا به جهت خود وجود مقدس امام صادق علیه السلام بوده است؟

پاسخ: ما معتقدیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همه نور هستند و همه از یک منبع معرفت برخوردارند و از نظر رسالت فرهنگی و اجتماعی هم تابع آن رسالت الهی‌اند. اگر هر امامی از ائمه علیهم السلام در این شرایط تاریخی قرار می‌گرفتند، قطعاً چنین کاری را انجام می‌دادند. این رسالتی بوده که اهل بیت علیهم السلام داشتند، چنان‌که در زمان امام رضا علیه السلام فقط در دو سال فرصت مرو، آن همه مناظرات و بیان معارف داشتند.

حداقل بنده چنین باوری ندارم و هیچ شاهدهی هم وجود ندارد که بخواهیم این را به ویژگی‌های فردی امام علیه السلام نسبت دهیم و شرائط به صورت کامل چنین اقتضائی دارد. آنچه مهم است حضور هوشمندانه و دقیق و همه‌جانبه امام صادق علیه السلام برای تأمین و انجام چنین رسالتی است.

۳- بر اساس فرمایش شما آموزه‌هایی مانند ولایت و برائت اگر چه قبلاً هم بوده و اشاره شده؛ لکن در زمان امام صادق علیه السلام در چهار چوب خاصی قرار گرفت. لطفاً توضیح بیشتری داده و مصداق آن را بیان فرمایید.

پاسخ: این بحث مهمی است و به اشارت و با ذکر مثال عرض می‌کنم: می‌دانیم

که زراره و خاندان زراره در زمان امام باقر علیه السلام شیعه می‌شوند و مستبصر هستند. ظاهر این است که هم «زراره» و هم «حمران» و احتمال بسیار «بکیر» قبل از این که به امام باقر علیه السلام مرتبط بشوند، خودشان از شاگردان علمای اهل سنت بودند. یعنی آدم‌های فاضل عالمی بودند که خدمت امام باقر علیه السلام می‌رسند و شیعه می‌شوند.

ظاهراً اولین پرسشی که زراره در ملاقات با امام باقر علیه السلام می‌کند - با این که نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها در ابتدا معرفتی ندارد - مسأله برائت است و نوع نگرشی که زراره در آنجا دارد نسبت به مسأله برائت، جالب است. چون خودش مستبصر است، اصرارش به امام این است کسانی که ولایت شما را قبول ندارند باید کافر باشند. حضرت در آنجا توضیحی برای او می‌دهند، به نحوی دست از این کار می‌کشند و می‌فرمایند الان زود است و چنین چیزی که می‌گویی نیست و سخن عمیق‌تر از اینهاست.

در معارف امام باقر علیه السلام چیزی که برای تبیین وجوه برائت به ما رسیده زیاد نیست. اما در زمان امام صادق علیه السلام در مواجهه عملی و نیز در مواجهه معرفتی حضرت؛ مفهوم برائت و وجوه مختلف برائت و ولایه‌های برائت بیان شده است. حضرت مخالفین را در چند گروه تقسیم می‌کنند و هر کدام را با یک عنوان در مسأله برائت قرار می‌دهند. به نظر من این مسأله در زمان ایشان، بهترین شاهد برای مسأله برائت است. در واقع مواجهه‌ی ائمه علیهم السلام با شیعیان و غیر شیعیان و نوع رفتار با آنها و معارف روایی باقی مانده در این زمینه از ایشان؛ کاملاً این موضوع را نشان می‌دهد.

#### ◀ ۴- در مواجهه با ادیان، بیشتر امام صادق علیه السلام با کدام یک از نحله‌ها و

جریان‌های ادیان، مواجهه مستقیم یا مواجهه علمی داشتند؟

**پاسخ:** در این زمینه باید مواجهه‌های مستقیم را از مواجهه‌های غیر مستقیم جدا کرد. یکی از اتفاقاتی که در زمان امام صادق علیه السلام رخ داده مواجهه‌ی شاگردان آن حضرت در برخورد با سایر ادیان و فرقه‌ها آن هم به اصطلاح مواجهه سفیران حضرت با دیگران است. اگر مجموعه‌ی این‌ها را ما جزء معارف حضرت و عمل کرد و تلاش آن حضرت بدانیم؛ تقریباً با همه ادیان این مواجهه صورت گرفته است. یعنی شاگردان حضرت با مسیحیان مواجهه داشتند ولی گزارش تفصیلی آن موجود نیست. اما گزارش‌هایی تاریخی از اینها وجود دارد که خود حضرت با خط الحاد برخورد داشتند. برخورد دیگر حضرت با جریان صابئی‌ها است که در آن زمان جریان بسیار مهمی در تفکر اسلامی بوده و ظاهر امر این است که نفوذی در بیان طوائف اسلامی داشتند و دارای اعتبار بودند.

اما اگر بخواهیم به صورت کلی بگوییم با همه‌ی ادیان و امتدادات آنها به خصوص با مسیحیت و خط مانوییت که در آن دوره تاریخی به عنوان مجوس شناخته می‌شدند و نیز با غلات که اینها امتداد جریان باطنی‌گرایی شرقی هستند؛ حضرت مقابله داشتند.



## محتوای کلیپ پژوهشی «امام صادق علیه السلام و نمادهای شیعی»

■ از دکتر حسین افراخته

بسم الله الرحمن الرحيم

امام صادق علیه السلام به دلیل جایگاه ویژه در تاریخ شیعه، همواره زندگانی و سیره ایشان مورد توجه شیعیان بوده است. این اهمیت تا بدان حد بود که علاوه بر آثار مکتوب و منابع حدیثی، در فرهنگ مادی شیعی نیز به ایشان توجه خاصی شده است. با مرور در تاریخ از حکومت‌های مختلف، آثاری نظیر سکه‌ها، کتیبه‌ها و نگاره‌ها به جای مانده که در موارد متعدد نام امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

## نماداول

نخستین سکه با شعار شیعی به نام عبدالله بن معاویه و هم‌زمان با دوران امامت امام صادق علیه السلام ضرب شده است. عبدالله بن معاویه از نوادگان جناب جعفر بن ابی طالب علیه السلام است که در سال ۱۲۷ هجری قمری در منطقه فارس، اصفهان و خوزستان قیام کرد. هرچند وی گرایش زیدی داشت اما این سکه، نخستین سکه‌ای است که با شعار شیعی ضرب شده است.

عبدالله در سکه‌های خود آیه مودت و بخشی از سوره توحید و شهادتین را ثبت کرده که گزارش کامل آن در منابع تاریخی نیز ذکر شده است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد وی از ثبت آیه مودت بر این سکه به دنبال دوهدف بود: نخست این که خود را مصداق «ذی القربی» در آیه معرفی نماید و از این طریق به نوعی مشروعیت برسد و دیگر آن که اعلام کند بنی امیه در زمره «قربی» نبوده و به همین دلیل حکومت آنها مشروع نیست.

آن چه که در تصویر مشاهده می‌کنید نمونه‌ای از سکه‌های عبدالله بن معاویه است که در سال ۵۱۲۸ ق. در رامهرمز ضرب شده است.



۱. بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۲۰.

## نماد دوم

پس از عبدالله بن معاویه، حاکمان دیگری نیز سکه‌هایی با شعارهای شیعی ضرب کردند. هر چند مهم‌ترین شعار شیعی در سکه‌ها، شعار «علی ولی الله» است که در قرون مختلف اسلامی نمونه‌های فراوانی از آن موجود است. اما در برخی دوره‌ها حاکمان شیعی، اسامی دوازده امام علیهم السلام را در سکه‌ها نقر کرده‌اند. از جمله آنها می‌توان به سلطان محمد خدا بنده (اولجایتو) اشاره کرد که پس از گرایش به تشیع در سال ۷۰۹ هجری قمری دستور داد که اسامی دوازده امام علیهم السلام بر روی سکه‌ها نوشته شده و این امر تا پایان حکومت او ادامه داشت.

این تصویر نمونه‌ای از سکه‌های اولجایتو است که در سال ۷۱۶ هجری قمری در بغداد ضرب شده است.



## نماد سوم

حاکمان فراوان دیگری نیز به نام ائمه اطهار ﷺ سکه ضرب کرده‌اند. از جمله مرعشیان که دارای حکومتی محلی در ناحیه طبرستان بودند، نام ائمه شیعه، از جمله امام صادق ﷺ را در سکه‌های خود ضرب کرده‌اند. تصویر زیر، سکه‌ای از این حکومت را نشان می‌دهد که در سال ۷۶۰ هجری قمری در آمل ضرب شده است که بر یک طرف آن سکه در مرکز آن جمله «المهدی محمد حیّ صاحب الزمان خلیفة الله» و بر روی دیگر آن در مرکز آن «بسم الله الکریم لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» و در اطراف و حاشیه، صلوات بانام یک‌یک اهل بیت ﷺ از جمله امام جعفر صادق ﷺ دیده می‌شود.





## نماد چهارم

پیش از تشکیل دولت صفوی، حکومت مشعشعیان در ایران حکومت می‌کرد که حکومتی با گرایش شیعی باطنی بودند. در دوران این حکومت در خوزستان ایران، سکه‌ای به طور خاص با نام امام صادق علیه السلام ضرب شده است. بر پشت این سکه، تنها نام امام صادق علیه السلام نوشته شده است.



## نماد پنجم

نه تنها حاکمان شیعه مذهب، بلکه حاکمان اهل سنت نیز در ایران پیشاصفوی، اسامی دوازده امام علیهم‌السلام را بر سکه‌های خود ضرب کرده‌اند. طغا تیمور، امیرولی استرآبادی، محمود تیموری، سلطان حسین بایقرا از این دست حاکمان هستند که به نام دوازده امام شیعه علیهم‌السلام سکه ضرب کرده‌اند. تصویر زیر، سکه امیرولی استرآبادی که در سال ۷۷۵ هجری قمری در سمنان ضرب شده را نشان می‌دهد.



## نمادششم

علاوه بر سکه‌ها، در کتیبه‌های بناهای شیعی در ایران، نام امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد. در محراب مسجد جامع اصفهان که از زیباترین محراب‌های ساخته شده در طول تاریخ اسلام است، حدیثی از جابر بن عبدالله انصاری که اسامی دوازده امام شیعه علیهم السلام در آن موجود است، بر آن حکاکی شده است. این محراب در سال ۷۱۰ هجری قمری ساخته شده و در حاشیه پیشانی و حاشیه درونی محراب حدیث معروف جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله که تصریح به نام یکایک اهل بیت علیهم السلام شده است با خطی زیبا نقش شده است.



## نماد هفتم

علاوه بر مساجد، در کتیبه‌های قدمگاه‌های امام رضا علیه‌السلام در ایران پیشاصفوی نیز نام امام صادق علیه‌السلام در ضمن صلوات بر دوازده امام علیهم‌السلام نقش شده است که نام امام جعفر صادق علیه‌السلام به وضوح در آن دیده می‌شود. از جمله کتیبه قدمگاه امام رضا علیه‌السلام در توران پشت یزد که در سال ۵۴۹ هجری قمری ساخته شده و امروزه در موزه فریر شهر واشینگتن در آمریکا نگهداری می‌شود.



## نماد هشتم

در قلمدانی از دوره‌ی تیموری، از جنس برنج و در ابعاد حدودی ۳۴ در ۱۰ در ۸ سانتی‌متر ساخته شده، که صلوات کامل به نام یکایک اهل بیت علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام این قلمدان رازیور داده است. امروزه این اثر در موزه‌ی متروپولیتن شهر نیویورک نگهداری می‌شود.



## نمادنهم

در کتابت نسخه‌های خطی در تاریخ اسلام، رسم بر این بود که در برخی از نسخه‌ها، به ویژه نسخه‌هایی که به دستور حکومت نوشته می‌شدند، یک نگاره که از لحاظ مضمون با نوشته‌های همان صفحه ارتباط داشت، ترسیم می‌شد. در نسخه‌ای از کتاب روضه الصفا که در دوران صفویه نگاشته شده است، نگاره‌ای از امام صادق علیه السلام در دربار منصور دوانیقی نیز ترسیم شده است. در این نگاره امام صادق علیه السلام در کنار منصور و بر روی تخت حکومت ترسیم شده‌اند، در حالی که برخی از اطرافیان منصور نیز در کنار ایشان حضور دارند.

با جستجو و کاوش در آثار مکتوب و منابع حدیثی، در فرهنگ مادی شیعی می‌توان به موارد دیگر از سکه‌ها، کتیبه‌ها و نگاره‌ها به جای مانده در طول تاریخ از حکومت‌های مختلف که در موارد متعدد نام امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد دست یافت.

